

شرایط قاضی - مذكر بودن

برگه جلسه :

صفحه 191 و 192

(جلسه هشتاد و سوم)

ه) گروه دال بر نفی شایستگی زنان برای تصدی مناصب مهم به دلیل برخی ویژگی‌ها چون نقص عقل

توجه کنید:

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : «ما رأيت من ضعيفات الدين و ناقصات العقول اسلب لذى لب منكن»¹.
محمد بن علی بن الحسین قال: مرّ رسول الله - صلى الله عليه و آله - على نسوة فوقف عليهن ثم قال: «يا معشر النساء ما رأيت نواقص عقول و دين اذهب بعقول ذوى الالباب منكن، انى قد رأيت أنكن أكثر أهل النار (عذابا) فتقرين الى الله ما استطعتن، فقالت امرأة منهن: يا رسول الله، ما نقصان ديننا و عقولنا؟ فقال أما نقصان دينكن فالحيض الذى يصيبكن، فتمكث إحداكن ما شاء الله لا تصلّى و لا تصوم و أما نقصان عقولكن فشهادتكن إنما شهادة المرأة نصف شهادة الرجل»².
«المرأة شر كلها و شر ما فيها أنه لا بد منها»³.

فرمایش امام علی - علیه السلام - بعد از فراغ از جنگ جمل:

«معاشر الناس، إن النساء نواقص الايمان، نواقص الحفظ، نواقص العقول، فأما نقصان ايمانهن فقعودهن عن الصلوة و الصيام فى ايام حيضهن و أما نقصان عقولهن فشهادة امرأتين كشهادة الرجل الواحد و أما نقصان حظوظهن فمواريثهن على الانصاف من مواريث الرجال فاتقوا شرار النساء و كونوا من خيارهن على حذر و لا تطيعوهن فى المعروف حتى لا يطمعن فى المنكر»⁴.

از امام علی - علیه السلام - : «لو لا النساء لعبد الله حقا حقا»⁵.

گزارش و تحلیلی تاریخی در ارتباط با موضوع

برخی از پژوهشگران نوشته‌اند:

«روایات نقصان عقل زنان در اکثر منابع حدیثی اهل تسنن یافت می‌شود؛ بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی، ابن‌ماجه، دارمی، ابن حنبل، ابن حبان، بیهقی و... آن را در کتب صحاح و سنن و مسانید و دیگر کتب خود گزارش کرده اند... به لحاظ وجود حدیث در کتاب صحیح البخاری و صحیح مسلم نزد اهل تسنن، صحیح تلقی می‌شود و به لحاظ متن، تمامی نقل یک مضمون را و با عبارتهایی همانند یکدیگر گزارش کرده‌اند.

اما روایات دال بر نقصان عقل زنان در منابع حدیثی بسیار معتبر شیعه مانند کافی [کتاب] من لا یحضره الفقیه و نهج البلاغه یا با اعتبار کمتر چون کشف المحجّة و المسترشد گزارش شده است. مجموع این روایات به هشت گزارش اصلی منتهی می‌شود؛ سه حدیث نبوی و پنج حدیث علوی. از سایر ائمه، حدیثی درباره کاستی عقل زنان به دست نیامده است و در مواردی از احادیث نبوی یا احادیث علوی امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقش راوی را دارند و فقط محدث نوری حدیثی را از کتابی به نام تحفة الاخوان نقل می‌کند. در این گزارش حدیث از ابن عباس و راوی آن امام صادق - علیه السلام - است...»⁶.

(پایان جلسه)

در بخشی از روایت «تحفة الاخوان» (بعد از نقل خطای حواء و عرضه او بر خداوند که ابلیس قسم خورد و مرا اغوا کرد و من

نمی‌دانستم بنده‌ای قسم دروغ به نام تو یاد کند) آمده است خداوند فرمود: «الان اخرجی ابدأ فقد جعلتک ناقصة العقل و الدین و المیراث و الشهادة و الذکر و معوجة الخلقه شاخصه البصر و جعلتک اسيرة أيام حیاتک و أحرمتک أفضل الاشياء: الجمعة و الجماعة والسلام و التحية و قضیت عليك بالطمث و هو الدم و جهة الحبل و الطلق و الولادة فلا تلدين حتی تذوقین طعم الموت فأنت أكثر حزنا و أكسر قلبا و أكثر دموعا و جعلتک دائمة الاحزان و لم اجعل منک حاکما و لا أبعث منک نبیا» الخبر . در تراث اسلامی ضعف‌های دیگری نیز برای زنان بیان شده است.

مانند این کلام امیر - علیه السلام : (خطاب به لشکر خود قبل از جنگ صفین):

«...و لا تهيجوا النساء بأذى و ان شتمن أعراضکم و سببن امراءکم فانهن ضعيفات القوى و الانفس و العقول...»⁸.

جامع دلای این احادیث و نقل قول‌ها، بیان ضعف زنان - حداقل - نسبت به مردان است. برخی تحقیقات موارد بیشتری را - غیر از آن چه ما بیان کردیم - جمع آوری کرده‌اند، که مراجعه به آن‌ها مفید می‌نماید.⁹

هر چند در برخی از موارد کوتاهی‌هایی صورت گرفته و برداشت صحیحی صورت پذیرفته است.¹⁰

01. وسائل الشیعة، ج 20، ابواب مقدمات النکاح، باب 4، ص 24، ح 1.

02. همان، ص 25، ح 3.

03. نهج البلاغه، (فیض الاسلام)، حکمت 230، ص 1192.

04. همان، خطبه 79، ص 179.

05. وسائل الشیعة (به وصف سابق)، باب 7، ص 35، ح 6.

06. بررسی فقهی مدیریت زنان در مناصب سیاسی، ص 204 و 205.

07. مستدرک الوسائل، ج 14، ص 285 و 286.

08. نهج البلاغه، (فیض الاسلام)، نامه 14، ص 859.

09. ر.ک: دانشنامه امام علی (ع)، ج 5، مقاله «حقوق زن»، صص 90-92.

10. ر.ک: همان، آخر ص 91.

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

بحثی که مطرح بود بررسی اسناد شرعی از قرآن، روایات و ... مرتبط با تصدی زنان برای مناصبی مثل قضاوت، ریاست و به قرآن اشاره کردیم، رسیدیم به روایات در جلسه ی دیروز به چهار روایت که بخش چهارم گروه بود نه یک روایت. باید با روایات بیشتر آشنا شویم تا در بحث نقد و بررسی بتوانیم بهتر و با خیال راحت نقد و بررسی کنیم و به نتیجه برسیم. مخصوصا چون این بحث از حیث علمی محض خارج شده است زمینه ی لغزش هم وجود دارد. گروه پنجم: گروهی که ادعا شده است : دال است بر نفی شایستگی زنان برای مناصب مهم به دلیل برخی از ویژگی ها مثل نقص عقل

این روایات خیلی زیاد است لذا بهتر این است که باحث روایاتی که هم‌زمان هستند و مفاد نزدیک به همی دارند را تحت یک عنوان و یک شماره بیاورد.

روایت اول: جناب شیخ حر، جلد بیستم، ابواب مقدمات نکاح باب چهار صفحه ی 24 حدیث اول که رسول خدا فرمودند: (سند

و دلالت را بعدا بررسی می کنیم) ما رأیت من ضعيفات الدين و ناقصات العقول اسلب لذی لب منکن» گویا حضرت می خواهند بگویند ما ضعيفات الدين و ناقصات العقول (کنایه از زنان) ندیدم که سلب کننده تر باشد عقل عاقلان را از شما. یعنی شما عقل و لب صاحبان عقل را سلب می کنید. این مضمون در روایات بعدی تأیید می شود.

روایت دوم: همان کتاب جلد بیستم صفحه 25، شیخ حر این روایت را از شیخ صدوق نقل می کند. می گوید: مرّ رسول الله ص علی نسوة فوقف علیهن ثم قال: «یا معشر النساء ما رأیت نواقص عقول و دین اذهب بعقول ذوی الالباب منکن، هر چه که نواقص العقول، ناقص الدین ندیدم مثل شما از این جهت که بخواهد عقل صاحبان عقل را از بین ببرد، انی قد رأیت انکن اکثر اهل النار (عذابا) فتقرین الی الله ما استطعتن، فقالت امرأة منهن: یا رسول الله، ما نقصان دیننا و عقولنا؟ فقال: اما نقصان دینکن فالحيض الذی یصیبکن، فتمکث احداکن ما شاء الله لا تصلی و لا تصوم و اما نقصان عقولکن فشهدتکن انما شهادة المرأة نصف شهادة الرجل» شاید به این خاطر باشد که زن لطیف تر است، زودتر تحت تأثیر قرار می گیرد، زودتر یقین پیدا می کند و سریع تر می رود شهادت می دهد ولی مرد یک مقداری مقاومتش بیشتر است به همین خاطر خداوند متعال و حکیم فرموده است شهادت دو زن و یک مرد البته باید توجه داشت که این یک مزیت نیست، شهادت یک تکلیف است که اگر انسان دید حتما باید برود شهادت دهد یا اگر دعوت شد واجب است برود شهادت دهد و این تکلیف از زنان برداشته شده است. روایت دیگری داریم از امیر المؤمنین در نهج البلاغه، حکمت 230 بر اساس شمارش مرحوم فیض الاسلام صفحه 1192: «المرأة شر كلها، و شر ما فیها انه لا بد منها» زن کل وجودش بدی و زحمت است و (شر دیگری که در آن هست) شر آن چه که در آن هست این است که شما ناچار از او هستی، اگر نباشد انسان خفه می شود مثل آب است. برخی این روایت را به اشتباه این گونه معنا کرده اند: زن شر است، و آن چه که در زن است شر است ولی چاره ای از آن نیست» اگر اینطور باشد باید اولاً «انه» به کسر باشد و ثانیاً باید «انها» باشد چون ضمیر مؤنث باید به مؤنث برگردد. حدیث چهارم: نهج البلاغه خطبه 79، صفحه 179 به کتاب های مرحوم فیض الاسلام بعد از جنگ جمل.

«معاشر الناس ان النساء نواقص الايمان، نواقص الحظوظ، نواقص العقول، فاما نقصان ايمانهن ففعودهن عن الصلاة و الصيام فی ایام حیضهن و اما نقصان عقولهن فشهاده امرأتین كشهادة الرجل الواحد و اما نقصان حظوظهن فمواریثهن علی الانصاف من مواریث الرجال فاتقوا شرار النساء و كونوا من خيارهن علی حذر و لا تطيعوهن فی المعروف حتی لا یطمعن فی المنکر» این حظی که حضرت بیان می کنند به معنای حق نیست بلکه ارث یک بهره است. باز هم از امام علی ع در وسائل جلد بیست صفحه 35، حدیث شش داریم که: «لولا النساء لعبد الله حقا حقا» در این بخش تا حالا پنج روایت نقل کردم نمی خواهم بگویم تمام شد، نکاتی وجود دارد، بلکه برخی از پژوهشگران در این جا روایات بیشتری آورده اند ولی دوست دارم در این جا یک تحلیلی داشته باشیم. روایات نقص عقل زنان که با آن ها آشنا شدیم در منابع اهل تسنن خیلی حضور دارد و می دانید معمولا اهل تسنن وقتی بخاری و مسلم در کتاب هایشان حدیثی را نقل کنند تلقی به قبول می کنند (ممکن است بر روی کلام ابن ماجه حرف داشته باشند که دارند ولی بر روی آن دو نفر کمتر حرف دارند) و به لحاظ متنی هم همین «نقصان عقل زنان» است در کلام امیر المؤمنین هم وجود دارد ولی از ائمه ی دیگر نیامده است و از آن ها شنیده نشده است با این که احادیث نقص عقل در کافی، من لا یحضر، نهج البلاغه هم هست اما تا زمان امیرالمؤمنین می آید فقط جناب محدث نوری صاحب مستدرک از امام صادق ع روایتی را نقل می کند، امام هم نه از خودشان و نه از جدشان بلکه از ابن عباس نقل می کنند یعنی تحفة الاخوان می گوید عن ابی بصیر عن الصادق ع فی خبر طویل فی خلقه آدم و حوا و دخولشان در بهشت و خروجشان از بهشت الی ان قال: امام میفرمایند: ابن عباس گفت. در این حدیث نقص عقل زنان هست اما در این حد که حضرت از ابن عباس نقل کنند نه این که خودشان نقل کنند.